

هیچ حرکتی

بدون محرك نهی شود

اگر کسی مدعی باشد که خواص حرکت در اجزاء جهان خود اجزاء است باید آنرا بوسیله علم عملاً ثابت نماید والا ما می بینیم که خواص حرکت در اجزاء کارخانه ها که ماده اصلی آنها غالباً آهن است وجود ندارد بلکه محتاج با اتصال به نیروی خارجی است. بنا بر این اگر کسی با مغلطه و سفسطه بخواهد از علوم فیزیکی و شیمی سوء استفاده نموده و اصل حرکت را به نفس اجزاء کارخانه مبتنی نماید آیا جهان علم و دنیای عقل آنرا می پذیرد؟... البته هیچ ذی شعوری آنرا قبول نخواهد کرد

پس حیات و زندگی کارخانه مربوط به اتصال نیروی برق است و اگر آن اتصال نباشد تمام دستگاه کارخانه جزا لاشه بی حرکت چیز دیگری نیست. اکنون توجه شما را بنوشته دکتر تقی ارانی جلب نمود و معین عبارات او را از کتاب (زندگی و روح هم مادی است) نقل مینمایم سپس در اطراف آن نظریات خود را مینگارم البته قضاوت بعهده خواننده عزیز است. او در صفحه ۴-۳ آن کتاب چنین مینویسد: (ملاحظیات دقیق نشان داده است که خواص زندگی در سلول که ماده اصلی آن از جنس بیاض البیض است وجود دارد. اختصاص ترکیب بیاض البیض، بزرگی ذرات (قطعات کوچک مرکب کننده) آن است و قتیکه در کره زمین تشکیل یک بیاض البیض، با خواص معین امکان پیدا کرده (البته درجه حرارت فشار، و سایر شرایط میبایستی مساعد شده باشد) نطفه زنده موجود شده است پس تولید شدن نطفه زنده با افتادن یک سنک از بلندی اختلاف اساسی با هم ندارند....) این بیانات علمی آقای دکتر تقی ارانی بمنظور اثبات مادی بودن زندگی و روح کاملاً سفسطه آمیز است زیرا اولاً بر فرض اینکه خواص زندگی در سلول وجود دارد این سؤال پیش می آید که آن خواص از کجا و چگونه و برای چه در سلول وجود پیدا کرده است؟... آیا در وجود پیدا کردن آن خواص اراده ای و قصدی در میان بوده یا بخودی خود

آن خواص وجود پیدا کرده اند؟... ثانیاً در کره زمین تشکیل يك بیاض البیض با خواص معین و مساعدت هزار شرایط دیگر چگونه امکان پیدا کرده و نطفه زنده موجود شده است؟.. ثالثاً آن وقتی که تشکیل يك بیاض البیض امکان پیدا کرده و نطفه زنده بوجود آمده است ایاقبل ازان وقت (هر وقتی که فرض شود) وجود بیاض البیض با خواص معین بوده یا نبوده است اگر بوده چرا در آنوقت امکان پیدا نکرده است و اگر نبوده از کجا پیدا شده و از چه راهی دارای خواص معین گردیده است؟..

اگر گفته شود: چون شرایط هنوز موجود نبوده لذا در آن وقت امکان پیدا نکرد و پس از مساعدت شرایط امکان پیدا کرده است میگوئیم: آقای دکتر تقی ارائی در صفحه ۲۸ کتاب: (بشر از نظر مادی) میگوید: (قضیه ای را اتفاقی میگویند که ماعلت و اجبار آنرا ندانیم، بنابراین باید پیدایش شرایط هم در واقع علنی داشته باشد که آقای دکتر تقی و سایر ماتریالیستها آن علت را نمی دانند پس نمی شود پیدایش شرایط را اتفاقی دانست رابعاً اگر همان تولید شدن نطفه زنده و افتادن سنگ از بلندی اختلاف اساسی نداشته باشد لازم می آید که تولید شدن نطفه زنده را هم مانند افتادن سنگ از بلندی معلول علتی بدانیم باین معنی بطوریکه اولاً اگر سنگی را کسی یا بادی یا فاعل دیگری از بلندی پرت نکند در جای خود باقی خواهد ماند ثانیاً اگر جاذبه زمین نباشد سنگ به پائین نمی افتد بنابراین جاذبه زمین سنگ را بسوی خود جذب نموده و آنرا مجبور بآمدن بسوی خود میکند در نطفه زنده هم باید يك قدرتی او را بحرکت آورده مجبور بزنده شدن نماید اگر زمین جاذبه نداشت سنگ در هوا معلق می ماند و همچنین اگر قدرتی در میان نبود اصلاً نطفه وجود نداشت.

اگر این استدلال علمی آقای دکتر تقی ارائی را در باره همین کارخانه بکار برده و بگوئیم: ملاحظات دقیق نشان داده که خواص حرکت در ذرات این کارخانه که ماده اصلی آن از جنس آهن است وجود دارد و چون در یک کیلو متری رضائیه تشکیل ذرات آهن امکان پیدا کرده و شرایطی هم بوده لذا کارخانه متحرک موجود شده است آیا باین سنخ استدلال نخواهید خندید؟.. و بازید تمسخر باین استدلال نخواهید نگریست؟... ما میگوئیم: بطوریکه در کارخانه اگر نیروی برق نباشد یا از خارج بآن نیرو نرسد این کارخانه مرده و راکد و غیر متحرک است همان طور در کارخانه آفرینش هم هر ذره ای که زنده و متحرک مشاهده شود اگر نیروی خارج از ماده نباشد جهان ماده همیشه مرده و راکد و غیر متحرک خواهد بود.

پس ما وقتی که حرکات منظم موجود و حیات و زندگی با نظم عناصر زنده را می بینیم نمی توانیم به منبع حیات و سرچشمه زندگی که به عناصر مرده حیات و زندگی می بخشد ایمان نداشته باشیم ما با چشم خود می بینیم که کارخانه ها بی افاضه نیرو از خارج نمی توانند کار کنند چگونه میتوانیم کارخانه های بی حد و حصر جهان آفرینش را که پیوسته روی حسابهای دقیق و منظم و قوانین متقن و مرتب در حرکت هستند بدون افاضه نیرو از يك

منبع عالی قدرت بدانیم .

فکر دیگری که در موقع مشاهده کارخانه در مقایسه کارخانه خدائی باین کارخانه در مغز من پیدا شد این بود که کارخانه بزرگ با همه عظمتش برای تولید قند و شکر ساخته شده است یعنی هزارها تن آهن ، چدن ، سرب ، تخته ، آجر ، سمنت و غیره مصرف شده و دهها هزار متر مربع زمین اشغال گردیده و چندین مهندس و صدها کارگر فنی و غیر فنی در آن باید کار کنند تا این کارخانه ، چغندر را مبدل بقند و شکر نماید باین معنی که از یکسو کامیونهای چغندر وارد محوطه آن کارخانه میشوند و از سوی دیگر آن چغندر ها در کارخانه مزبور مبدل بقند و شکر میشود و کامیون کامیون بخارج حمل میگردد بنا بر این یک قسمت از کارخانه بشستن چغندر اختصاص دارد و کار این قسمت شستن چغندرها و تمیز کردن آنهاست و قسمت دیگر خورد کردن و له کردن دانه های چغندر را عهده دار است قسمت دیگر برای پختن و کشیدن شیره چغندر ساخته شده قسمت دیگر کارش صاف کردن شیره است .

بالاخره هر يك از قسمت های کارخانه برای کار مخصوصی است که مامور تهیه قند از چغندر است تا ماده قند از چغندر بیرون آمده و بشکل کله قندهای معمولی می افتد و هم چنین قسمت های دیگری برای ساختن شکر از چغندر ساخته شده است

این دستگاه بزرگ که نگه داری آن مستلزم هزینه های هنگفت است با همه هیاهوئی که موقع کار کردن بر او می اندازد و با همه زحماتی که مهندسين و کارگران در بکار انداختن آن متحمل می شوند فقط و فقط برای این است که چغندر را به قند و شکر مبدل سازد و بس .

البته فکری که این دستگاه مهم را بوجود آورده است قابل تقدیس و تقدیر است و کسی نمی تواند بعظمت آن فکر بشود و فکری است که در راه رفع بعضی از نیازمندی های جامعه بشری بکار برده اند و يك نتیجه بسیار سودمندی بخشیده و میزونها افراد بشر از محصول آن کامیاب می شوند و لی در همین حال ، برابر کارخانه های خود کار کوچک و سیاری که بدون هیچگونه سروصدا و بدون اضرار و بدون احتیاج بمهندس و و کارگر در گردشند بسیار کوچک و بی ارزش است .

سری بکارخانه عسل سازی بز نیم . مثلا اگر يك میکروسکوب (ذره بین) قوی داشته باشیم که بتواند زنبور عسل را با اندازه همین کارخانه قند بزرگ نماید بطوریکه تمام جزئیات را بما نشان دهد و کارهایی که در آن محیط بسیار کوچک انجام داده میشود بطور روشن هویدا گردد خواهیم دید که در این کارخانه عسل سازی (یعنی بدن حیوان صغیر الجثه زنبور عسل) چگونه از گیاهان بیابان و گل های رنگارنگ باغها و از برگ های درختان شیره کشی میشود و چگونه در این کارخانه خود کار که بدون سرو صدا و بدون داشتن مهندس و کارگر کار می کند شیره ای بنام عسل تهیه میگردد .

این حیوان کوچک باندازه ای کارهای بزرگ و در عین حال منظم و مرتب انجام میدهد که عقول تمام عقلا را بحیرت می آورد .

از کشور کندو دیدن کنیم - کندو کشوری است که اداره کنندگان آن زنبورهای عسل است .

میگویند خیلی از امور اجتماعی و رموز مملکت داری و تمدن را بشر از زنبور عسل یاد گرفته است خوب است از چگونگی تشکیلات آن قدری مطلع شویم .

وقتیکه يك ملكه زائیده میشود عده زیادی از زنبورهای کارگر دور آنرا گرفته و دسته جمعی پرواز میکنند تا بمحلی بروند و در آن محل کشور مستقلی و جامعه جداگانه ای تشکیل دهند .

در جاهائیکه درخت باشد غالباً ملكه در آن جاها بشاخه درختی نزول اجلال می فرمایند و کارگران (خدمتگذاران دربار) دور او را میگیرند .

در این هنگام شکارچی هایك کندوئی را بدست گرفته و آهسته آن ملكه را با کارگانش وارد آن کندو میکنند .

در آن کندو و جز يك فضای تاريك و جدا از های خشن چیز دیگری نیست . حالا باید یک عده کارگر در این فضای تاريك عمارت تهنائی زیبا برای زندگی خود و ملكه خود بسازند .

اگر ما بودیم و بيك چنین سر نوشتی گرفتار میشدیم اولانمی توانستیم در آن فضای تاريك و عفن زندگی کنیم و ثانیاً قدرت ساختن يك خانه گلی و محقر را هم نداشتیم زیرا ساختن چنین خانه و سایل میخواهد و ما فاقد آن بودیم اما جامعه زنبوران در همان بدن كوچك خودشان حامل تمام و سایل هستند هم مصالح دارند و هم ابزار کار از این رو بمحض ورود

بآن کندو مشغول میشوند و بدین ترتیب یک عده از آنها از چهار گوشه و بالا رفته و در سقف کندو بیکدیگر می چسبند و بشکل

خوشه ای درآمده و آویزان می شوند و يك شبانه روز بهمین منوال میمانند تا عسلی که در بدن دارند بوسیله عمل شیمیائی بموم مبدل شود .

این تغییر و تبدیل شیمیائی در بدن آنها یکی از اسرار حیرت انگیز است راستی حیرت آور است بدنی به آن کوچکی دارای چه ابزارها و آلات صنعتی است که گاهی از شیره گل، عسل درست میکند و گاهی همان عسل را بموم مبدل مینماید .

بهر حال بیست و چهار ساعت وقت لازم است که عسل در بدن آنها مبدل بموم شود و آنان هم همان مدت را مانند خوشه انگور آویخته می مانند و تا موقعی که عمل شیمیائی در بدن هر يك آنان صورت میگیرد هم چنان آویخته هستند .

اما باقی کارگران و وظیفه دیگری را انجام میدهند آنها هم اطراف جدار کندو را تفتیش میکنند که از هر گونه ناهمواریها و درآمده گیها یا فرورفتگیها پیراسته باشد

و اگر جزئی ناهمواری یا فرورفتگی یا در آمدگی مشاهده شود و یا کثافتی و یاریزترین خس و خاشاکی در جدارهای کندو دیده شود فوراً باصلاح آنها پرداخته و تمام کثافات و زباله ها را

و اگر جزئی ناهمواری یا فرورفتگی یا در آمدگی مشاهده شود و یا کثافتی و یاریزترین خس و خاشاکی در جدارهای کندو دیده شود فوراً باصلاح آنها پرداخته و تمام کثافات و زباله ها را

و خاشاکی در جدارهای کندو دیده شود فوراً باصلاح آنها پرداخته و تمام کثافات و زباله ها را

به بیرون کند و می ریزند و کندورا کاملاً صاف و تمیز میکنند .
 و چون این عده و آن عده از کارهای خود فارغ شدند یعنی مدت توقف زنبورها در
 حال آویختگی بمنظور تبدیل عسل بموم و همچنین کارهای عده دیگر که به نظافت کند و
 اشتغال داشتند تمام میشود یک زنبور از توده زنبورهای آویخته شده از جای خود حرکت
 میکند و از روی رفقای خود بسمت سقف صعود مینماید تا خود را به نزدیک
 سقف می رساند و چندتا از رفقای خود را بکنار می زند و برای خود جای خالی باز میکند
 بطوریکه بتواند بسقف کند و بچسبند سپس با کمال دقت و مهارت مقدار مومی را که در
 بدنش تهیه شده است بکار می برد باین ترتیب :

اولاً با ترشحات دهن خود آن مقدار از سقف را که می تواند ترمیم کند ثانیاً باز بان شاخکهای
 خود خمیری میسازد که مانند صمغ چسبنده باشد سپس آنرا بسقف می چسباند و این اولین
 سنگی است که برای ساختمان بنای شهر زنبورستان گزارده میشود .
 این زنبور که کار خود را پایان رسانید از همان راهی که آمده بود بجای خود بر میگردد
 و یک زنبور دیگر براه می افتد و مانند همقطار خود بطرف سقف رهسپار شده نظیر عمل
 رفیق خود را انجام میدهد و بر میگردد و بهمین ترتیب یکایک تمام زنبورها نظیر آن عمل را
 انجام میدهند تا در سقف کندو انبوهی از موم متجمع میشود .

(بقیه دارد)



توانچه فرزندان

تقویت نشریه دینی «راه حق» در برابر نشریه‌ها و مجلات فاسد
 و مفسد اخلاق و وظیفه هر مسلمان علاقمند است .
 این نشریه را در اختیار افراد خانواده (پسران - دختران) خویش

قرار دهید ، باشد که در تربیت اسلامی آنان موثر افتد
